

## چکیده مقاله «سه اثر از مارسل پانیول و تأثیر آن بر ادبیات کودکان»

ابراهیم کاظمی

(به زبان فرانسه)

«در این دوره که دارای نوه شده‌ام، اغلب دوست دارم برایشان قصه بگویم و این عمل طبیعی پدر و مادر بزرگ هاست و شاید هم بهترین عملشان.

مارسل پانیول نویسنده معاصر و عضو آکادمی فرانسه (اوبان ۱۸۹۵ پاریس ۱۹۷۴) که با آغاز نویسندگی، معلمی زبان انگلیسی را رها کرد و آثاری دراماتیک در زمینه تأثر از خود به یادگار نهاد. آثار نمایشی او بیشتر در زمینه فرهنگ و ادبیات مردم است و بویژه فرهنگ عامه سرزمین آبا و اجدادی‌اش مارسه. آثاری به یاد ماندنی در زمینه تأثر از قبیل توپاژ، فانی، ماریوس، سزار و زن نانا را نوشته و به روی صحنه برده است. در بین سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰ خاطرات دوران کودکی خود را در قالب سه اثر ادبی تحت عناوین مجدد عظمت پدر "La Gloire de mon pere"، خانه (قصر) مادری "Le chateau de ma mère" و رمز و رازهای جوانی "Le Temps des secrets" به رشته تحریر در آورد. معدود جوان و یانوجوان فرانسوی است که خاطرات کودکی پانیول رادر دوره دبیرستان نخوانده باشد و از این منظر تأثیر قابل توجهی بر روی کتابهایی که در زمینه ادبیات کودکان چاپ و منتشر شده داشته است.

در این مقاله تعریفی که برای کودک این "انسان کوچک" داده شده است عبارت است از این که او طبیعتاً دارای روحی است از بند رسته، آزاد و تا اندازه‌ای شیطان صفت بمعنای وسیع آن. این از بند رسته‌گی، آزادگی، شیطنت و همینطور بیرحمی در تمام تصورات و حرکات بدنی او نمایان است. تصوراتی که نویسنده از آنها یاری گرفته تا خاطرات کودکی خود را بنویسد عبارت بوده است از رؤیا، قصه سازی و فکر که میتواند دارای دو جنبه مثبت و منفی باشد. گاستون باشلار<sup>۱</sup> نویسنده و فیلسوف فرانسوی که سه اثر بی نظیر او در زمینه تصورات ادبی بی‌مانند است، این تصورات را در جنبه

۱- گاستون باشلار، فیلسوف و نویسنده فرانسوی متوفی ۱۹۶۳ در پاریس. او ابتدا به علوم تجربی و سپس فلسفه رو آورده و استاد ادبیات در دانشگاههای دیژون و سوربن پاریس بوده است. آثار او در زمینه تصورات ادبی که بسیار حائز اهمیت است

عبارت است از روانشناسی آتش، رویاها و آب، خیالات و هوا، اوهام و خاک.

Bachelard (c7aston) 1884 - 1962: *Psychanalyse du feu*, 1937. *L'Eau et les rêves* 1941. *L'Air et les songes* 1943. *La Terre et les Reveries delavolonte* 1948.

مثبت عامل پیشرفت و بودلر این تصورات را "ملکهٔ اختیارات" دانسته‌اند. اما آنچه‌ان که دکارت گفته است تصورات در جنبه منفی دشمن تفکر و اندیشهٔ عقلایی است. این تصورات در خلق این سه اثر تأثیر بسزایی داشته است. او از "تصورات" و "هوش"ی که در این مقوله قابل تفکیک نیست بهره برده است، برای بیان روابط بین اشیاء، اشیائی که در نوشتن خاطرات از آنها به خوبی سود جسته است. این انسان کوچک پیوسته علاقمند به شنیدن حکایت و قصه است، قصه‌هایی که او را شاد کند و یا بترساند و در نتیجه به رویا و خیال پناه برد و خود را در آن واحد قابل می‌داند که در چند حادثه حضور داشته باشد. برای اینکه کودک تصوراتش رابه کار بیاندازد به شرایطی نیاز دارد که این شرایط اصل و اساس خیالپردازیهای او میباشد و این شرایط در این سه رمان به بهترین وجه توصیف شده است. "جایگزینی" او در شرح و توصیف و قایع دوره جوانی، نقل حکایتهای دل انگیز است که از نظر علمای روانشناسی در ردیف مقوله‌هایی قرار میگیرد که بنام "جایگزینی" معروف است که کاملاً متفاوت است با آنچه آنها آنرا "باز شناسی" مینامند.

هر ساله مبلغ هنگفتی صرف چاپ و انتشار کتابهای کودکان میشود، اما علی‌رغم اهمیت آماری این نشریات از نظر اقتصادی آیا میتوان به ادبیاتی به عنوان ادبیات کودکان قائل بود؟ آیا میتوان تعریف جامعی از این نوع ادبیات را بیان داشت؟ و در بین آنچه در زمینه ادبیات کودکان منتشر می‌شود آثاری هستند که سخت مورد توجه کودکان و نوجوانان قرار میگیرد اما این آثار را میتوان در ردیف ادبیات کودکان آورد؟ جایگاه تصورات در اینگونه ادبیات کجاست و آیا آمیختن تصویر و نوشته اصل اساسی در اینگونه آثار است؟

در واقع تا به امروز این علمای علم تعلیم و تربیت و جامعه‌شناسان بوده‌اند که به زبان خاص خود عوامل تشکیل دهنده این نوع ادبیات را مورد توجه قرار داده‌اند و سعی کرده‌اند تجزیه و تحلیلی روانشناختی از تأثیر این گونه ادبیات در زندگی فعلی این انسانهای کوچک ارائه دهند. و بالاخره این شخصیتها (پرسوناژهای) خیالی پانیول در رمان "مجد و عظمت پدرم" است که مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است، چونکه خواننده از ابتدا متوجه میشود که این کتاب برای کودکان و نوجوانان نوشته شده است زیرا هر از گاهی خواننده بزرگسال در خواندن این کتاب دچار مشکل میشود، مطلبی که نویسنده خود به آن اشاره میکند:

«چیزی که مرا می‌ترساند این نیست که از این همه اشیاء صحبت کنم و اشیاء را با شیوه نوشتاری حاضر خود در قالب جملات در اختیار همگان بگذارم زیرا این خاصیت هر رمان نویس است. بلکه چیزی که مرا به وحشت می‌فکند خاطرات نویسی است.»

(کتاب مجد و عظمت پدرم صفحه ۹)